

الگوی تحلیل محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی خلیج فارس

مهدی دلبنده^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

چکیده

اجتماعی، فن آوری، زیست محیطی و قانونی را به عنوان الگوی مناسب برای تحلیل تغییرات محیطی معرفی می نماید.

کلیدواژه

تحلیل محیط؛ سیاست خارجی ایران؛ خلیج فارس؛ الگوی PESTEI.

مقدمه

مهمترین کارکرد سیاست خارجی هر کشور را می توان تأمین تمامیت ارضی، امنیت سرزمینی و وجهه و اعتبار بین المللی آنها در نظر گرفت. اساس سیاست خارجی مبتنی بر تعامل واحدهای سیاسی با سایر بازیگران بین المللی است. بدین منظور شناخت عوامل محیط استراتژیک و تحولات بین الملل الزامی است. محیط استراتژیک هر کشور در واقع محدوده تعریف شده فرصت ها و تهدیدهای هر کشور است. هرگونه تصمیم گیری و اجرای دقیق آن برای بهره گیری از فرصت ها و دفع تهدیدات منوط به شناخت محیط راهبردی است. بنابراین می توان گفت مهمترین وظیفه دستگاه

برای تصمیم گیری در عرصه سیاست خارجی شناخت واقعیت های بیرونی، توانمندی های درونی و هزینه ها و فایده های احتمالی ضرورت دارد. بر این اساس تحلیل محیط راهبردی در سیاست خارجی از الزامات اساسی است. تحلیل محیط همچنین امکان آینده نگری و جلوگیری از شرایط و رویدادهای پیش بینی نشده را فراهم می آورد. مسائل منطقه خلیج فارس با پیوندهای درونی عمیق تاریخی، فرهنگی، سیاسی اقتصادی و پیوستگی جغرافیایی از اولویت بالایی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. مقاله حاضر با بهره گیری از روش ها و ابزار علمی تحلیل محیط در دانش مدیریت راهبردی و روشی تحلیلی و توصیفی درصدد پاسخگویی به این پرسش است که الگوی مناسب تحلیل محیط در حوزه خلیج فارس چیست؟ بدین منظور با استناد به مؤلفه های تاریخی، فرهنگی، وابستگی های اقتصادی و رقابت قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای، از میان الگوهای تحلیل محیط، الگوی PESTEI شامل مؤلفه های سیاسی، اقتصادی،

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی. m.delband95@gmail.com

الگوی تحلیل PESTEI می‌تواند تحلیل مناسبی برای اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس ارائه دهد.

چارچوب نظری

عوامل مختلفی بر یک سازمان تأثیر می‌گذارند که می‌توان آنها را به دو گروه درون سازمانی و برون سازمانی تقسیم کرد. تحلیل راهبردی عبارت است از شناخت عوامل محیطی درون و برون سازمانی برای برنامه‌ریزی استراتژیک. در واقع تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی‌های سازمان تابع شناخت محیط برنامه‌ریزی است. در رویکرد مواجهه فعال و برای تداوم مأموریت‌ها و استفاده از فرصت‌ها و پرهیز از چالش‌ها، باید به الگوی تحلیل محیط راهبردی توجه ویژه کرد. منظور از الگو چارچوبی برای اندیشیدن پیرامون محیط و سازماندهی تحلیل محیط در حوزه مورد نظر است. منظور از محیط نیز مجموعی از شرایط، نیروها، عوامل و مؤلفه‌هایی است که منبع تعیین کننده مأموریت و تداوم بخش عملیات در وضعیت‌های تصمیم‌گیری است. محیط برنامه‌ریزی نیز عبارت است از تعامل ابعاد درونی سازمان با یکدیگر و با عوامل خارج از سازمان. در مباحث برنامه‌ریزی استراتژیک، محیط برنامه‌ریزی به کلیه عواملی اطلاق می‌شود که بر سازمان اثر گذاشته و از آن تأثیر می‌پذیرند. سازمان‌ها در چارچوب محیط، مسائل استراتژیک را شناسایی کرده و تصمیم‌گیری می‌کنند. در واقع، تعیین هدف‌ها، مأموریت‌ها، راهبردها و سیاست‌های کلان همگی از عوامل محیطی پیروی می‌کنند. به همین علت یکی از مراحل بسیار مهم در برنامه‌ریزی استراتژیک، ارزیابی محیط درونی و بیرونی است (جمشیدی و الهی‌دهقی، ۱۳۹۳).

الگوی تحلیل محیط راهبردی: محیط‌های راهبردی

به گونه‌های مختلفی از جمله محیط امنیتی متعارف، محیط امنیتی نامتعارف، محیط آشوب، محیط امنیتی مبتنی بر بازیگران برابر، محیط امنیتی مبتنی بر بازیگران نابرابر و محیط امنیتی مبتنی بر صلح و یا آشوب تقسیم می‌شوند (قاسمی و ماله‌میر، ۱۳۹۱). در تحلیل محیط راهبردی مؤلفه‌های

سیاست خارجی کشورها، شناخت مسائل استراتژیک خود با بهره‌گیری از نگرش و ابزار راهبردی است. در دانش مدیریت راهبردی، محیط خارجی شامل مجموعه عواملی است که در خارج از سازمان، مؤسسه یا واحدهای سیاسی موجب بروز فرصت یا تهدید می‌شود. تجزیه و تحلیل محیط راهبردی در واقع فرایندی است که در آن محیط درونی و بیرونی هر واحد سیاسی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد تا شناخت فرصت‌ها و تهدیدات برای تصمیم‌گیری و طراحی نظام‌مند برای رسیدن به اهداف و مقاصد ملی فراهم آید. ضمن آنکه امکان پیش‌بینی و آینده‌شناسی راهبردی نیز فراهم می‌شود.

خلیج فارس با توجه به موقعیت جغرافیایی ویژه و دارا بودن منابع زیرزمینی مانند نفت و گاز مدت‌هاست که مورد توجه و کشمکش میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بوده است. تنگه هرمز هم به دلیل آنکه تنها راه ورود به خلیج فارس و تنها راه دسترسی دریایی به کشورهای منطقه بوده، اهمیت بسیاری داشته است. اما این اهمیت زمانی به حد فوق‌العاده‌ای رسید که نفت در خلیج فارس کشف شد و تا امروز یکی از اصلی‌ترین منابع انرژی جهان و اصلی‌ترین منبع درآمد کشورهای منطقه بوده است. خلیج فارس به علت قرار گرفتن در مسیر خطوط دریایی اقیانوس هند، دریای عمان، دریای سرخ و دریای مدیترانه، و اتصال آب‌های آن به سواحل ایران و عراق و شبه جزیره عربستان، از زمان‌های بسیار قدیم در غالب رقابت‌ها، کشمکش‌ها و جنبش‌های اقتصادی شرق و غرب سهم بسزایی داشته است. با توجه به اهمیت وافر ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک خلیج فارس، این منطقه یک حوزه راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های محیط راهبردی خلیج فارس برای جمهوری اسلامی ایران و یافتن بهترین الگوی تحلیل برای آن است. بنابراین سؤال اصلی پژوهش آن است که الگوی تحلیل محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای خلیج فارس چیست؟ به نظر می‌رسد استفاده از

مختلفی از جمله مؤلفه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، فن آوری، زیست محیطی و بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود. در جدول (۱) انواع الگوهای تحلیل محیط راهبردی نشان داده شده است.

جدول ۱. الگوهای تحلیل محیط راهبردی

متغیرهای الگو	انواع الگوهای کلان
Political, Economic, Social, Technological	PEST
Political, Economic, Social, Technological, Ecological, Legal/ Legislative	PESTEL
Social, Technological, Environmental, Economic, Political	STEEP
Social, Technological, Economic, Ecological, Political, Legal./ Legislative, Demographic, Ethical, Equality	STEEPLED
Social, Technological, l, Economic, Ecological, Political, Legal./ Legislative, Ethical	STEEPLE
Social, Legal./ Legislative , Economic, Political , Technological	SLEPT
Social, Technological, Economic, Political	STEP
Political, Economic, Social, Technological, Legal./ Legislative, Environmental, Ecological, , International, Demographic	PESTLED
Political, Economic, Social, Technological, Environmental, Ecological, Legal./ Legislative , International	PESTEL
Political, Economic, Social, Technological, Legal./ Legislative , Environmental	PESTLE

منبع: احمدوند و همکاران، ۱۳۸۷

انتخاب هریک از این الگوها به محیط راهبردی مورد نظر و مؤلفه‌های اساسی و برجسته آن بستگی دارد. با شناسایی و پیش‌بینی کردن. پایش هریک از این متغیرها، می‌توان به شناسایی فرایندها و روندها و ارزیابی کامل محیط دست یافت. همچنین می‌توان روندهای در حال ظهور را شناسایی و فرصت‌ها و تهدیدهای آینده را نیز پیش‌بینی کرد. با توجه به جدول الگوهای ارائه شده به مهمترین عوامل مؤثر در طراحی الگوی تحلیلی برای محیط‌های راهبردی و به‌ویژه خلیج فارس اشاره می‌شود:

عوامل سیاسی

میزان مشارکت مردم در انتخابات	متحدان خارجی	ساختار سیاسی کشور هدف
میزان بودجه دفاعی و نظامی	امنیت ملی و دکترین نظامی	سیاست‌های داخلی و خارجی
وضعیت دیپلماسی و روابط خارجی	تعهدات بین‌المللی	تلقی حاکمیت از منافع ملی و کشورهای دوست یا دشمن
نهادهای قدرت از جمله نهاد قانون‌گذاری	پایداری دولت	شدت توسعه‌طلبی یا انزوای طلبی هر دولت
راهبردهای کلان و اسناد بالادستی	شدت تمرکز یا توزیع	میزان پیوستگی و ارتباط دولت با ملت

میزان وابستگی حاکمیت به خارج	وضعیت آینده حاکمیت	عضویت در پیمان‌های سیاسی و نظامی منطقه‌ای
ترکیب قدرت و سمت گیری‌های حاکمیت	درجه ثبات سیاسی	مراکز و ساختارهای کنترلی و بازرسی
وضعیت چهره‌ها و شخصیت‌های موثر در ساختار قدرت	میزان اعتماد به حکومت	احتمال بروز جنگ یا بحران

عوامل اقتصادی

درآمد ملی	میزان سرمایه گذاری	میزان وابستگی به تجارت خارجی
درآمد سرانه	ترکیب اقتصاد ملی	میزان تبادلات اقتصادی
رشد تولید ناخالص داخلی	الگوی مصرف	سیاست‌های متمرکز اقتصادی یا بازار آزاد
وضعیت رشد اقتصادی	شفافیت اقتصادی	سهم بخش‌های دولتی و خصوصی
حجم و ترکیب صادرات و واردات و شرکای تجاری	میزان تورم	مهمترین شرکای اقتصادی
میزان پس انداز	میزان رکود	رونق و یا رکود اقتصادی
نرخ بهره	وضعیت توزیع درآمدها	هم پیمانان اقتصادی
رشد بیکاری یا اشتغال	وضعیت نیروی کار	نرخ برابری پول ملی با ارزهای خارجی

عوامل اجتماعی-فرهنگی

مؤلفه‌های هویتی ملی	نرخ رشد جمعیت	میزان ملیت گرایی
جمعیت و توزیع سنی آن	ترکیب جمعیتی و توزیع سنی آن	ترکیب قومی
ترکیب قومیت‌ها	میزان سطح تحصیلات	آداب و سنن
ترکیب مذاهب	مهاجرت داخلی و خارجی	نگرش‌های قومی
مهاجرت	سبک و الگوی زندگی	وضعیت شبکه‌های اجتماعی
تغییرات در اعتقادات دینی و ارزش‌ها	وضعیت خانواده	
برنامه‌های تامین اجتماعی	رشد شهرنشینی	
سطح رفاه عمومی	وضعیت زبان ملی	

عوامل فناورانه

دسترسی به فناوری‌های نوین	شمار اختراعات	وضعیت و شمار مراکز علمی تحقیقاتی
ظرفیت پاسخگویی به نیاز دیگران	وضعیت آموزشی	میزان دسترسی به رایانه
وضعیت فناوری اطلاعات	بودجه تحقیق و توسعه	رویکرد افراد به فناوری
تعداد متخصصان	میزان بهره‌وری	

عوامل بوم‌شناسی یا زیست محیطی

جغرافیای طبیعی و اقلیمی	کوهستانی یا کویری بودن	شدت بلاخیزی (سیل، زلزله، آتشفشان)
وضعیت آب و هوایی	دسترسی به دریا و منابع آبی	رویکرد جامعه به مسائل محیط زیستی
انرژی	حفاظت از منابع و تأمین غذا	مقررات محیط زیستی
میزان آلودگی هوا، آب‌ها و محیط زیست	وضعیت زباله‌ها از جمله زباله‌های اتمی	

عوامل بین‌المللی

وضعیت بازیگران خارجی در آن محیط	وجود پیوندهای سیاسی	اتحاد و ائتلاف با قدرت‌ها و تشکل‌های منطقه‌ای و جهانی
هم‌راستایی نظام سیاسی با نظام بین‌المللی	وجود یا عدم هژمون در آن محیط	

ویژگی‌های محیطی منطقه خلیج فارس

موقعیت جغرافیایی

خلیج فارس در مرکز جنوب غربی آسیا و در نیمکره شمالی در منطقه غرب آسیا با موقعیت ریاضی ۳۰ و ۳۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ و ۵۸ دقیقه طول شرقی واقع شده است. خلیج فارس امروزی بخش کوچکی از گستره آبی پهناوری است که در روزگاران قدیم دریای پارس نامیده می‌شد. مساحت خلیج فارس ۲۳۷۰۴۷۳ کیلومتر مربع است و پس از خلیج مکزیک و خلیج هادسون سومین خلیج بزرگ جهان به شمار می‌آید. طول آن از جزیره هنگام تا دهانه اروندرود ۸۵۰ کیلومتر و عرض آن بین ۳۰ تا ۳۶ کیلومتر و عمق آن بین یک تا ۹۱ متر می‌باشد. در بخش شمال و شمال شرقی خلیج فارس، سواحل ایران به طول ۱۲۵۹ کیلومتر و در شمالی‌ترین آن، کشور عراق با ۴۰ کیلومتر مربع، در غرب آن کشور کویت با ۶۰ کیلومتر و در جنوب آن کشور عربستان با ۴۰۰ کیلومتر و قطر با ۵۶۳ کیلومتر و امارات متحده عربی با ۸۰۰ کیلومتر قرار گرفته‌اند. شرق خلیج فارس هم به دریای عمان ختم می‌شود. با توجه به عرض جغرافیایی فوق و محصور بودن بین صحراهای مجاور، این منطقه دارای آب و هوای گرم و خشک است. در تابستان‌ها بسیار گرم و زمستان‌ها معتدل است، شدت گرما در تابستان‌ها به حدی است که درجه حرارت آب را در ماه‌های تیر و مرداد تا ۳۶ درجه می‌رساند. از این رو فصول تابستان و زمستان در منطقه کمتر قابل تشخیص است. مهم‌ترین آب‌هایی که توسط رودها وارد خلیج فارس می‌شوند عبارتند از:

- عمده آب‌های ورودی از رودهای کارون و دجله و فرات که در اروندرود وارد به هم می‌پیوندند.

- رودهای استان خوزستان از جمله بهمنشیر، کرخه و

جراحی

- رودهای هندوچان (تاب)، دالکی و رودمند از رودهای

استان فارس

حجم کل آب‌هایی که وارد خلیج فارس می‌شوند کمتر از آبی است که در آن به صورت تبخیر در می‌آیند. لذا اگر روزی تنگه هرمز مسدود شود، منطقه خلیج فارس به صورت باتلاقی در خواهد آمد. خلیج فارس با توجه به موقعیت جغرافیایی خود به‌ویژه موقعیت نسبی و منابع زیرزمینی مانند نفت و گاز مدت‌هاست که مورد توجه و محل کشمکش میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بوده است. هشت کشور ایران، عراق، عربستان، عمان، کویت، قطر، بحرین و امارات متحده عربی خلیج فارس را احاطه کرده‌اند.

اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خلیج فارس

ژان گاتمن^۱ پژوهشگر جغرافیای سیاسی نوین می‌گوید: اگر سطح کره زمین مانند توپ پینگ‌پنگ صاف و بدون پستی و بلندی‌های گوناگون بود، مباحثی چون جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل و اهمیت ژئوپلیتیک و استراتژیک مناطق نیز وجود نداشت (اسدی، ۱۳۹۲: ۱). خلیج فارس یک منطقه ژئوپلیتیک ایرانی-عربی است که به دلیل حساسیت جغرافیایی و در برداشتن ذخایر عظیم نفت و گاز، همواره توجه کشورهای مجاور و همچنین جهان را به خود معطوف داشته است. خلیج فارس، سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا را به هم پیوند می‌دهد و بخشی از یک سیستم اتصال به دریای مدیترانه، دریای سرخ و اقیانوس هند محسوب می‌شود. خلیج فارس از

1. Jean Gottmann

طرف ناشی از تعامل میان ساختار آنارشیک و پیامدهای آن برای توازن قوا و از طرف دیگر، ناشی از فشارهای نزدیکی جغرافیایی است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۶-۵۵).

امنیت در خلیج فارس یکی از دغدغه‌های اصلی تولیدکنندگان منطقه‌ای نفت و مصرف‌کنندگان بزرگ آن در سراسر جهان بوده است. برای اولین بار ایران پس از خروج نیروهای استعماری بریتانیایی از منطقه، خواستار ترتیبات منطقه‌ای برای امنیت در خلیج فارس شد. دغدغه اصلی ایران برای ترتیبات مذکور این بود که هر سیستم امنیتی که یکی از کشورهای ساحلی را به عنوان عضو نپذیرد، نه تنها ناقص است، بلکه چیزی بیش از یک منبع تحریک علیه کشور یا کشورهای کنار گذاشته شده از سیستم نخواهد بود (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۵). ایران عملاً در اوایل دهه ۱۹۷۰ م. هشدار داد که هیچ‌گاه چنین ترتیبات امنیتی ناقصی را در منطقه تحمل نخواهد کرد. حتی هنگامی که شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ م. با حمایت ایالات متحده آمریکا تشکیل شد، هیچ ادعایی در زمینه مسئولیت حفظ امنیت در خلیج فارس را بر عهده نگرفت و شورای مذکور آمال خود را به همکاری میان اعضای خود محدود کرد.

بعد از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ م. حضور مستقیم نظامی آمریکا در خلیج فارس افزایش یافت و این کشور مرحله جدیدی را برای تثبیت هژمونی خود در خلیج فارس آغاز کرد. آمریکا سعی کرد خلیج فارس و خاورمیانه را به حوزه نفوذ انحصاری خود تبدیل کند و در این راستا، ایران و عراق را در زمره محور شرارت قرار داد و برای تغییر رژیم در سال ۲۰۰۳ م. به عراق حمله نظامی کرد و تلاش نمود ایران را منزوی کند، در این راستا آمریکا سعی کرد تا همکاری و مشارکت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را به دست بیاورد (نظری، ۱۳۹۵).

یکی از عوامل همکاری و اتحاد بین کشورهای

سده نوزدهم بخشی از نفوذ دولت انگلیس و پس از جنگ جهانی دوم حوزه نفوذ مشترک آمریکا و انگلیس بوده است. در طبقه‌بندی مناطق استراتژیک، خلیج فارس همچنان در کانون توجه قدرت‌های بزرگ قرار دارد.

تنگه هرمز

تنگه هرمز آبراهی است هلالی شکل به طول ۱۸۷ کیلومتر که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌کند. عرض این تنگه در باریک‌ترین بخش آن یعنی بین جزیره قونین کبیر و جزیره لارک ۳۸ کیلومتر و در مدخل تنگه، این عرض به ۹۶ کیلومتر می‌رسد. این تنگه از طرف شمال به ایران و از طرف جنوب به جزیره مسندم از کشور عمان محدود است. مرز این تنگه ۱۲ مایل (حدود ۱۹/۲ کیلومتر) برای دو طرف ایران و عمان در توافق این دو کشور تعیین شده است (خدادادی، ۱۳۸۳: ۲۱). از لحاظ اهمیت این تنگه از استراتژیک‌ترین تنگه‌های دنیاست تا آنجا که آلبوکرک مهاجم پرتغالی به منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند در سال ۱۵۰۷ م. می‌گوید: «هر دولتی که بر سه تنگه هرمز، باب‌المندب و مالاکا تسلط داشته باشد بر جهان مسلط خواهد بود» (همان: ۲۲). حفاظت تنگه هرمز طبق موافقتی که بین ایران و عمان در سال ۱۹۷۴ م. به عمل آمد و به امضا رسید، به عهده دو کشور ایران و عمان است.

مجموعه امنیتی منطقه‌ای خلیج فارس

در متداول‌ترین تعریف، مجموعه امنیتی عبارت است از گروهی از دولت‌ها که نگرانی‌های اصلی امنیتی آنها تا اندازه‌ای به هم گره خورده که امنیت ملی آنها را به صورت منطقی نمی‌توان جدا از یکدیگر مورد توجه قرار داد. مجموعه‌های امنیتی را الگوهای پایدار دوستی و دشمنی تعریف می‌کنند. متغیرهای تاریخی مانند دشمنی‌های پایدار یا قرار گرفتن در یک حوزه تمدنی دارای فرهنگ مشترک، ویژگی خاص یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از یک

دریای مدیترانه و اتصال آب‌های آن به سواحل ایران و بین‌النهرین (عراق) و شبه جزیره عربستان، از زمان‌های بسیار قدیم در غالب رقابت‌ها، کشمکش‌ها و جنبش‌های اقتصادی شرق و غرب سهم بسزایی داشته است. این اهمیت از ابتدای قرن بیستم با کشف نفت دو چندان نیز شده است. در زیر به مهمترین دلایل اهمیت اقتصادی خلیج فارس اشاره می‌شود.

نفت و گاز: در کف خلیج فارس و جزایر و بنادر و کشورهای اطراف آن منابع معدنی سرشاری وجود دارد. غنی‌ترین و متمرکزترین ذخایر و میدان‌های نفتی جهان در منطقه خلیج فارس قرار دارد. طبق آخرین برآوردها حوزه خلیج فارس در حدود ۷۳۰ میلیارد بشکه ذخیره اثبات شده نفت و بیش از ۷۰ تریلیون مترمکعب ذخیره گاز طبیعی را در خود جای داده است. چنین ذخایری این منطقه را به بزرگ‌ترین مخزن انرژی در جهان تبدیل کرده است. در حال حاضر نفتی که در ۶ کشور ایران، عربستان سعودی، عراق، کویت، امارات و قطر تولید می‌شود، بیش از ۲۰ میلیون بشکه در روز است. در حالی که کل نفت خامی که در جهان تولید می‌شود، حدود ۸۲ میلیون بشکه در روز است. بنابراین، نفت خلیج فارس حدود ۲۵ درصد از نفت جهان را تأمین می‌کند. کل ذخایر استراتژیک نفت در جهان ۱.۴ میلیارد بشکه برآورد شده است و چنانچه صادرات نفت این منطقه متوقف شود، ذخایر نفت دنیا تنها تا ۸۲ روز می‌تواند توقف صادرات نفت خلیج فارس را پوشش دهد.

ذخایر دیگر: منابع غنی دیگری نیز علاوه بر نفت و گاز در کشورهای حاشیه خلیج فارس و سواحل آن وجود دارد که برخی از آنها از زمان‌های دور مورد شناسایی و بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. معادن سنگ آهن، خاک سرخ (اکسید دوفر)، سنگ شیشه (سیلیس)، گوگرد و نمک از آن جمله‌اند. ذخایر معدنی مانند سنگ آهن، ذغال سنگ، خاک سرخ (گل ارمنی)، نمک، گوگرد، سیلیس، سرب، میکا، سنگ سیمان، سنگ‌های ساختمانی و تزئینی، مس، قلع، منگنز،

شورای همکاری خلیج فارس با ایالات متحده آمریکا، به همکاری‌های تسلیحاتی برمی‌گردد. این همکاری‌ها که شامل همکاری‌های دفاعی دو یا چندجانبه و مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و مانورهای نظامی در چارچوب پیمان‌های امنیتی و دفاعی میان آمریکا و این کشورها می‌باشد. این اتحادها، اتحادیهایی امنیت‌محور یا قدرت‌محور هستند که می‌توان آنها را نمونه‌ای از سیاست دنباله‌روی دولت‌های منطقه از قدرت هژمون دانست. به عبارت دیگر، این اتحادها بنا به دلایل منفعت‌گرایانه و مادی‌گرایانه و برای موازنه قوا در برابر ایران و کشورهای حامی ایران در منطقه شکل گرفته‌اند (اشقلی، ۱۳۸۵، ۸۵-۱۱۸).

ویژگی‌های محیط راهبردی خلیج فارس

۱. **سیاسی:** غالب کشورهای غرب آسیا و به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس در اواخر قرن بیستم به استقلال رسیدند. این کشورها تحت‌الحمایه قدرت‌های بزرگ بودند و تجربه‌ای در زمینه مملکت‌داری و دولت - ملت‌سازی نداشتند. به همین دلیل پس از استقلال با مشکلات و چالش‌های عمده از جمله رشد و توسعه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی روبرو شدند. ساختارهای درونی این کشورها مانند نوع حکومت، مشروعیت، ساختار اجتماعی و اقتصادی سنتی و مبتنی بر قبیله‌گرایی است. این ساختارهای سیاسی یکی از مهمترین منابع و کانون‌های تهدید و بحران برای امنیت منطقه به حساب می‌آید. اکثر کشورهای حاشیه خلیج فارس به صورت نظام‌های پادشاهی و یا استبدادی اداره می‌شوند. از لحاظ توسعه سیاسی، کشورها از سنتی‌ترین نظام‌های سیاسی دنیا محسوب می‌شوند. حکومت طولانی مدت آل سعود در عربستان، آل خلیفه در بحرین، آل ثانی در قطر، آل سعید در عمان و آل صباح در کویت بیانگر عدم توسعه‌یافتگی سیاسی این مناطق می‌باشد (جوادی‌ارجمند و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۲).

۲. **اقتصادی:** خلیج فارس به علت قرار گرفتن در مسیر خطوط دریایی اقیانوس هند، دریای عمان، دریای سرخ و

بازار مطلوب تجاری: خلیج فارس یک بازار مطلوب، گسترده و پرسود برای کشورهای گوناگون به ویژه کشورهای صنعتی غرب است. مهمترین دلیل آن این است که تمامی کشورهای همجوار منطقه نفت خیز بوده و دارای درآمدهای سرشار حاصل از فروش نفت هستند. به اضافه اینکه همه کشورهای منطقه با تفاوت‌هایی به هر حال جزو کشورهای در حال توسعه و غیرصنعتی به شمار می‌آیند.

۳. اجتماعی- فرهنگی: مسائل قومی و مذهبی یکی از عوامل منازعه بین کشورهای ساحلی حاشیه خلیج فارس است. اگر چه ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلفی در منطقه وجود دارد، اما رقابت و تعارض ایران و اعراب بیشتر مشهود است. به لحاظ قومی جمعیت‌های عرب دارای بیشترین تعداد در این مجموعه است. ایران نیز دارای جمعیت فارس بالایی است. اقلیت‌هایی از کرد و ترکمن در عراق و ایران وجود دارند.

وجود گروه‌های شیعی در کشورهایی که اکثریت سنی دارند و همین‌طور وجود اقلیت سنی در کشورهایی که اکثریت شیعه دارند از موارد اختلاف بین کشورهای خلیج فارس بوده است. همچنین وجود وهابیت سنی در عربستان و فعالیت‌های تفرقه‌افکنانه آنها مزید بر علت است.

همچنین کشورهای خلیج فارس از توسعه نامتوازن اقتصادی و فرهنگی، قبیله‌گرایی، سنت‌گرایی، نفوذ فرهنگ و سبک زندگی غربی رنج می‌برند.

یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگی و اجتماعی جمعیت است. جمعیت ایران هم از لحاظ کمی و هم کیفی در منطقه خلیج فارس در رتبه اول قرار دارد. مجموع کل جمعیت شش کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس حدود ۵/۵۶ میلیون نفر است، در صورتی که جمعیت ایران حدود ۸۰ میلیون نفر است. علاوه بر این انسجام ملی در ایران بسیار بالا است و این انسجام و غیرت ملی به خوبی در جریان جنگ تحمیلی عراق

کرومیت، کائولن، زاج، جیوه، طلا و نقره و اورانیوم کم و بیش در نقاط گوناگون منطقه و به ویژه در ایران وجود دارند (اسدی، ۱۳۹۲: ۴۶).

ماهی و جانوران دریایی: ماهی‌های خلیج فارس از نظر تنوع و تعداد زیاد ماهی‌های خوراکی و صنعتی، ثروتی واقعی محسوب می‌شوند. ماهی‌های منطقه به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- ماهی‌های خوراکی (حلوا سفید، سرخو، سنگسر، شوریده و غیره)، ۲- ماهی‌های صنعتی (گرزک، سه خاری، بمبک، کوسه، اسب ماهی، ماهی چسبک و غیره) که استفاده‌های صنعتی و دارویی و پزشکی دارند. در خلیج فارس حدود ۲۰۰ نوع ماهی وجود دارد که منبع اقتصادی و گذران زندگی بخش عمده‌ای از ساحل‌نشینان را ماهی‌گیری و صید تشکیل می‌دهد. جدا از انواع ماهی‌ها، جانوران دریایی دیگر مانند میگو، روبیان، انواع خرچنگ‌ها (سینگو)، و لاک‌پشت‌های بزرگ که بیشتر باب طبع غربی‌هاست در خلیج فارس صید و صادر می‌شود (اسدی، ۱۳۹۲: ۴۸).

مروارید و مرجان: مروارید خلیج فارس از نظر گرد بودن، شفافیت و درخشندگی از روزگاران پیشین شهرتی جهانی داشته است. بهترین انواع مروارید خلیج فارس در اطراف جزیره کیش، جزیره خارک، پنادر شیب‌کوه (بندر لنگه) و به ویژه در حوالی مجمع‌الجزایر بحرین صید می‌شود.

منابع کشاورزی: استعداد کشاورزی منطقه در خلیج فارس با توجه به گرمی هوا و میزان رطوبت آن بسیار چشمگیر است. وجود خاک زراعتی و آب به ویژه در کرانه‌های ایرانی خلیج فارس و برخی جزایر شمالی آن، زمینه مساعد کشاورزی را در این منطقه فراهم کرده است. البته عوامل مساعد کشاورزی نظیر خاک، آب و میزان بارندگی در سواحل شمالی خلیج فارس بیشتر از سواحل جنوبی و جنوب غربی است. ضمناً در سطح جزایر خلیج فارس به ویژه در سه جزیره قشم، کیش و بحرین یک قشر خاک زراعتی مناسب وجود دارد.

راهبردی، اقتصادی، سیاسی، محیط زیست و ... در منطقه خلیج فارس برجای خواهد گذاشت.

در زمینه فن آوری اطلاعات نیز بخش‌های عظیمی از مردم جهان به‌ویژه در منطقه خلیج فارس، با وجود برنامه‌های توسعه‌ای ملل متحد و ابزارهای حقوق بشر بین‌المللی و توجهات فزاینده نظام بین‌الملل به گسترش عدالت در سطوح ملی و بین‌ملت‌ها، از مزایای فن آوری اطلاعات در عرصه جهانی شدن بی‌بهره مانده‌اند. این محدودیت اساساً نتیجه توزیع نابرابر فن آوری اطلاعات از یک سو و نامساعد بودن روابط بین دولت‌های منطقه خلیج فارس و دولت - ملت‌ها از سوی دیگر است (ابراهیمی‌فر، ۱۳۹۳).

یکی از مشکلات کشورهای خلیج فارس کمبود آب مصرفی شیرین است. رژیم صهیونیستی دارای تکنولوژی جدید شیرین‌سازی آب است که با فروش آن به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و نیز مصر و اردن قصد دارد تا در مقابل، منافع دیپلماتیک و روابط عمیق خود با این کشورها را تأمین کند. این کشورها به‌شدت از کمبود آب رنج می‌برند و به دنبال جایگزین‌های جدیدی بر این نیاز خود هستند و رژیم صهیونیستی نیز این تکنولوژی نوین را در مقابل منافع سیاسی در اختیار آنان قرار می‌دهد.

۵. بوم‌شناختی و زیست‌محیطی: علیرغم غنی بودن منابع معدنی در خلیج فارس، این منطقه از نظر زیست‌محیطی بسیار آسیب‌پذیر است. اکنون آلودگی خلیج فارس ۴۷ برابر بیش از آلودگی دریاهای آزاد است. کشورهای خلیج فارس پروتکل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی برای حفظ محیط زیست ندارند. آلودگی خلیج فارس ناشی از آلودگی نفتی حاصل از اکتشاف، استخراج، پالایش و صادرات نفت، عبور نفتکش‌ها و شناورهای نفتی، تغییرات فیزیکی در بستر و سواحل دریا بر اثر فعالیت‌های صنعتی، شهری و بندری است (جوادی‌ارجمند و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۲). ریزش نفت از کشتی‌ها و

علیه ایران به نمایش گذاشته شد. بخش مهمی از جمعیت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مهاجر هستند و به همین دلیل این کشورها یکپارچگی جمعیتی ندارند. داشتن جمعیت همگن یکی از مؤلفه‌های قدرت است.

۴. فن‌آورانه: یکی از موضوعاتی که کشورهای حوزه خلیج فارس در حال پیگیری آن هستند، فن آوری هسته‌ای است. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در حال حاضر در تحولات منطقه‌ای و موضوع هسته‌ای کاملاً با استراتژی آمریکا همسو بوده و از همین منظر رشد توانمندی هسته‌ای خود را در چارچوب مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران و تغییر توازن راهبردی دنبال می‌کنند. حرکت به‌سوی برنامه هسته‌ای در کشورهای عربی عمدتاً سابقه‌ای در حدود چندین دهه دارد که البته ناظر به فعالیت‌های کشورهایی چون؛ عراق، سوریه و مصر می‌شود (مرادی، ۱۳۹۶).

کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس تا پیش از آغاز قرن بیست و یکم فعالیت‌هایی در حوزه توانمندی هسته‌ای نداشتند. هرچند گزارشات تأیید نشده‌ای از فعالیت‌های رژیم سعودی برای دستیابی به بمب هسته‌ای از طریق سرمایه‌گذاری در صنعت هسته‌ای عراق و پاکستان از دهه ۱۹۷۰م. وجود دارد. به گونه‌ای که برخی اعترافات «محمد خیلوی» دیپلمات پناهنده سعودی به آمریکا، اخبار منتشره از سفرهای «عبدالقادر خان» پدر هسته‌ای پاکستان به عربستان و ... نشان‌دهنده تلاش‌های سعودی در راستای کسب سلاح هسته‌ای است، اما با این حال این گزارشات منجر به برآیند قطعی درباره اهداف سعودی نشده است (ترابی، ۱۳۹۱). امارات عربی متحده نیز بر اساس اعلام سازمان انرژی اتمی این کشور در حال ساخت نیروگاه‌های اتمی با مشارکت کره جنوبی است که احتمالاً تا سال ۲۰۲۰ م. عملیاتی می‌شود. به نظر می‌رسد منطقه خلیج فارس در آینده نزدیک شاهد بکارگیری فناوری هسته‌ای جهت تولید انرژی خواهد بود که بی‌تردید این موضوع تأثیرات زیادی در حوزه‌های

۴. احساس خطر از ناحیه اسلام سیاسی در کشورهای منطقه و روند روزافزون آن.

۵. وابستگی چرخ صنعت غرب به امنیت ترانزیت نفتی در این منطقه.

روسیه: استراتژی روسیه در خلیج فارس خنثی‌سازی تلاش‌های آمریکا برای ائتلاف‌سازی در منطقه است. زیرا مسکو، طرح آمریکا را یک اقدام کاملاً خطرناک می‌بیند که هم می‌تواند منجر به افزایش نیروهای نظامی در منطقه شود و هم احتمال درگیری را بیشتر خواهد کرد. لذا کرملین در این چارچوب تلاش دارد تا اجازه ندهد ائتلاف آمریکایی‌ها تنش را در منطقه افزایش دهد. بر این اساس روسیه طرح امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس را مطرح کرده است. مقامات مسکو در اواخر دهه ۱۹۹۰ م. و اوایل دهه ۲۰۰۰ م. زمانی که خطر حمله آمریکا به عراق شدت یافته بود چنین پیشنهادی را مطرح کردند، اما مسکو نتوانست حمایت کشورهای منطقه را از این طرح به دست آورد. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه در سال ۲۰۱۵ م. در نشست مجمع عمومی سازمان ملل و در آستانه آغاز عملیات نظامی روسیه در سوریه از لزوم ایجاد یک ائتلاف ضد تروریستی واحد سخن گفته بود. در آن زمان آمریکا و متحدانش با این مسأله مخالفت کردند و روسیه تنها ماند. در سال‌های گذشته نیز وزارت امور خارجه روسیه از سندی تحت عنوان «دکترین امنیتی خلیج فارس» رونمایی کرد که در آن پیشنهادهایی در جهت تقویت اعتماد و شفافیت در منطقه و ایجاد سازمان منطقه‌ای در عرصه تأمین امنیت خلیج فارس مطرح شده بود. روسیه برای تقویت امنیت در خلیج فارس، عدم حضور نظامی کشورهای فرا منطقه‌ای و جلوگیری از تنش در جهت تأمین امنیت جمعی در منطقه این طرح را ارائه کرده است (طهمورثی، ۱۳۹۹).

چین: در شرایطی که جمهوری خلق چین، رویکرد توسعه اقتصادی، صنعتی و تجارت خارجی را دنبال می‌کند، نیاز این کشور به منابع انرژی فسیلی مانند نفت و گاز افزایش

تانکرهای دریایی حامل نفت که از خلیج فارس عبور می‌کنند و یا سکوهای حفر نفت که در آب‌های ساحلی وجود دارند و همچنین مواد آلوده‌کننده مانند حشره‌کش‌ها و مواد کشنده آفات نباتی، باعث آلودگی خلیج فارس شده است. هر چند آلودگی خلیج فارس هنوز برای بهداشت عمومی تهدیدی به وجود نیاورده است، اما کشورهای منطقه با توجه به اینکه خلیج فارس یکی از مسیرهای پر رفت‌وآمد کشتی‌های تجاری یا جنگی است و احتمال تصادف‌های دریایی بین آنها و آلوده شدن آب آن وجود دارد، باید سیاست‌های منطقه‌ای برای حفظ محیط زیست خلیج فارس طراحی کنند.

۶. قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای

آمریکا: ایالات متحده آمریکا به‌ویژه از جنگ جهانی دوم تاکنون، به‌عنوان یک ابرقدرت دارای علایق و منافع تعریف شده‌ای در خلیج فارس بوده است. آمریکا به‌عنوان اولین و قدیمی‌ترین کشور تولیدکننده نفت از سال ۱۹۴۸ م. به تدریج با افزایش میزان مصرف نفت داخلی به‌صورت یک کشور واردکننده نفت درآمد. میزان وابستگی آمریکا به نفت خاورمیانه پس از جنگ چهارم اعراب و اسرائیل در حدود ۱۰ درصد بود. آمریکا به‌عنوان کارگزار نظام بین‌الملل دارای منافع حیاتی است که در پیوند با مجموعه خلیج فارس قرار دارند. به همین علت در دوران‌های مختلف تاریخی منطقه، آمریکا از انواع مختلف سیستم‌های کنترلی در راستای حفظ منافع خود در سه مرحله نظم مبتنی بر هژمونی منطقه‌ای، سیاست مبتنی بر مهار دوجانبه و سیاست مبتنی بر زور استفاده کرده است (طاهری و صادقی‌بکیانی، ۱۳۹۴). اهمیت خلیج فارس برای آمریکاییان از چند جهت است:

۱. منطقه خلیج فارس دارای بزرگ‌ترین ذخایر نفت است.

۲. خلیج فارس به لحاظ استراتژیک، دنباله اقیانوس هند

است.

۳. خلیج فارس با درگیری‌های اعراب و اسرائیل پیوند

خورده است.

بر اوکراین و روسیه سفید در سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ م. دولت‌های اروپایی به تدریج به این نتیجه رسیدند که سیاست انرژی کرملین می‌تواند در دراز مدت برای استقلال اتحادیه اروپا به‌ویژه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی خطرناک باشد و زمینه نفوذ دوباره کرملین در این مناطق را به همراه آورد. همین مسئله باعث شد که اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به منطقه خلیج فارس برای تأمین انرژی خود داشته باشد. خلیج فارس اگر چه بزرگ‌ترین تأمین‌کننده انرژی اروپا نیست، در سیاست تنوع‌سازی اروپا می‌تواند بیشتر مورد توجه قرار گیرد. اتحادیه اروپا ۱۵ درصد واردات نفت و ۲ درصد گاز طبیعی خود را از خاورمیانه وارد می‌کند. در سال ۲۰۱۱ م. بالاترین سهم صادرات نفت خلیج فارس به اروپای غربی را عربستان (۶/۷۱ درصد) بر عهده داشته است. همچنین بخشی از صادرات به اروپا را ایران (۴/۳۹ درصد) و عراق (۱/۹۸ درصد) تأمین کردند. این میزان ۱۴/۷۳ درصد از واردات نفت این اتحادیه را تشکیل می‌دهد (باقیان و دیگران، ۱۳۹۱).

اتحادیه اروپا در دوران ریاست جمهوری ترامپ، موفق به حفظ منافع دوجانبه با آمریکا در پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نشد و نسبت به تغییر مواضع ترامپ نیز ناکام بود. همچنین با افزایش تنش میان اروپا و آمریکای دوران ترامپ و وجود این نگرانی که مواضع ترامپ، ممکن است سبب بی‌ثباتی منطقه خلیج فارس شود و این امر، آسیبی جدی بر مواضع کشورهای اروپایی تلقی می‌شود، اتحادیه اروپا تلاش کرد تا نسبت به حفظ امنیت در منطقه خلیج فارس توجه بیشتری داشته باشد. در دوران اخیر نیز کشورهای اروپایی تلاش کرده‌اند تا حضور نظامی خود را در اروپا افزایش دهند.

رژیم صهیونیستی: از سال ۱۹۹۴ م. روابط نزدیکی بین رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس انجام گرفته است. امضای موافقت‌نامه‌های صلح بین سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، اسرائیل و اردن، سرآغاز تحول

یافته و چنین رویه‌ای افزایش واردات این محصولات را از نقاط مختلف دنیا به‌ویژه خلیج فارس در پی داشته است. محرک اصلی چین در فعال‌تر شدن در خلیج فارس، نیاز به انرژی و به موازات آن کم‌رنگ‌تر شدن نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی از دهه هشتاد است. در چند سال گذشته حضور اقتصادی چین در خلیج فارس و انعقاد قراردادهای تجاری با کشورهای این حوزه بیش از گذشته بوده است. خارج از منطقه آسیا اقیانوسیه، احتمالاً برای چین منطقه خاورمیانه مهمترین بخش دنیا به حساب می‌آید. به خاطر قدرت اقتصادی چشمگیر چین، کشورهای خاورمیانه هم به‌نوبه خود احتمالاً پکن را مهمترین پایتخت دنیا بعد از واشنگتن می‌دانند. به واسطه اتصال چین به دریای مدیترانه و اروپا از طریق کانال سوئز، خاورمیانه برای این کشور یک موقعیت فوق‌العاده راهبردی محسوب می‌شود که منبعی حیاتی برای انرژی‌های بسیار ضروری و منطقه‌ای برای توسعه روابط اقتصادی آن است. چین در پی آن است که خاورمیانه موقعیت این کشور به عنوان یک قدرت نوظهور را بپذیرد و روابط رو به رشد خود با کشورهای منطقه را فرصتی برای ایجاد توازن با نفوذ ایالات متحده می‌داند. چین تحت تأثیر نیاز خود برای دسترسی قابل اعتماد به منابع انرژی منطقه جهت تأمین سوخت مورد نیاز برای رشد خود در داخل، به نظر دنبال راهبردی در خاورمیانه است که بر حفظ روابط مثبت با همه کشورهای منطقه و پرهیز از گرفتار شدن در دام درگیری‌های مختلف منطقه مبتنی است. به هر حال، از آنجا که حضور اقتصادی چین مستلزم مداخله روز افزون سیاسی در منطقه است، این وضعیت، احتمالاً رفته‌رفته دشوارتر خواهد شد. پکن که با روش‌های حکومتی خودکامه در کشورهای منطقه هیچ مشکلی ندارد، روی سیاست عدم دخالت در امور دیگر کشورها تأکید می‌کند و برای مشارکت و کمک توسعه‌ای خود شرط نمی‌گذارد (Wormuth, 2019).

اروپا: اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین بازار مصرف انرژی در جهان به شمار می‌رود. با بسته شدن شیرهای صدور گاز روسیه

است (جوادی‌ارجمند و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۲). در میان کشورهای منطقه، قطر به عنوان مدعی بازیگری در سطح منطقه خلیج فارس در تلاش است تا موقعیت خود را از طریق مدیریت و دخالت در بحران‌های پیش آمده در کشورهای عربی افزایش دهد. در این راستا کشور قطر با تکیه بر منابع طبیعی و بهره‌گیری از قدرت نرم و ایجاد تعادل و تعامل با کشورهای همسایه و منطقه سعی در افزایش قدرت منطقه‌ای و برجسته کردن نقش خود در میان کشورهای منطقه را داشته است. قطر توانسته در سال‌های اخیر ایفاگر نقشی مؤثر در منطقه باشد (جالینوسی و دیگران، ۱۳۹۴).

امارات متحده عربی: کشور امارات در قالب یک فدراسیون سیاسی از هفت امارت یا شیخ‌نشین تشکیل شده است. امارات نیز همانند قطر فاقد زمینه‌های هویتی و تاریخی است. امارات در سال‌های اخیر تلاش کرده تا در مسائل منطقه‌ای نقش آفرینی داشته باشد. به عنوان مثال امارات یکی از بازیگران مهم در ائتلاف علیه یمن بود. در سال‌های گذشته امارات متحده عربی در جهت افزایش نقش منطقه‌ای خود گام برداشته است و در این میان رویکردها و اهداف مهم سیاست خارجی و منطقه‌ای امارات و نوع همگرایی‌های این کشور با عربستان از اهمیت بسیاری برخوردار است.

امارات متحده عربی به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای خلیج فارس به منظور افزایش نفوذ خود و برای تبدیل شدن به یک بازیگر مهم در خاورمیانه و سیاست‌های بین‌المللی، اغلب به استفاده از ثروت موجود این کشور متوسل می‌شود. در این زمینه، امارات متحده عربی حتی در امور داخلی سایر کشورهای منطقه با دنبال کردن سیاست‌های بسیار پیچیده و چندبعدی دخالت می‌کند. امارات که به سازمان‌هایی مانند حماس و حزب‌الله به عنوان تهدیدی برای کشورش می‌نگرد، دارای روابط پرتنش با کشورهای به‌ویژه مانند ایران که از این تشکل‌ها حمایت می‌کنند (مؤسسه آینده پژوهی جهان اسلام، ۱۳۹۵).

بزرگی در حوزه خلیج فارس بود. به دنبال امضای موافقت‌نامه‌های مذکور کشورهای عرب حوزه خلیج فارس مذاکرات دوجانبه و چند جانبه‌ای را با اسرائیل آغاز کردند که در ۵۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. این مذاکرات در زمینه‌های بهره‌برداری از منابع طبیعی، همکاری‌های اقتصادی، همکاری در زمینه‌های انرژی، همکاری در زمینه اطلاعات و ارتباطات، همکاری در زمینه‌های نظامی و امنیتی صورت گرفته است. در بین کشورهای خلیج فارس، قطر و عمان بیشتر مورد توجه اسرائیل بوده‌اند. علت این امر را می‌توان در تعداد کم فلسطینی‌ها و کمی حمایت مردمی از ایشان در این کشورها از یکسو و برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک ممتاز در خلیج فارس از سوی دیگر دانست (وندنروز، ۱۳۹۴: ۱۸۵). عمده‌ترین هدف رژیم صهیونیستی از این ائتلاف‌ها عبارت است از: مقابله با بنیادگرایی اسلامی، مقابله با نفوذ ایران در منطقه، ارائه الگوی سکولاریستی، برهم زدن توازن راهبردی منطقه به زیان ایران، انجام عملیات هوایی علیه ایران، تشویق آمریکا به جنگ با ایران. این رژیم هم‌چنین سعی می‌کند جمهوری اسلامی ایران را به عنوان عامل تهدیدکننده نظام‌های حکومتی دولت‌های منطقه نشان دهد. این رژیم خطر اصول‌گرایی اسلامی نشأت گرفته از ایران را در کشورهای آسیای مرکزی بزرگ جلوه می‌دهد و برای خود نقش اصلی در مقابله با خطر اسلام‌گراها را قائل است و دولت ایران را به عنوان کانون بنیادگرایی اسلامی در منطقه و جهان معرفی می‌کند. بدین ترتیب ایران به عنوان خطری علیه ثبات داخلی این کشورها معرفی می‌شود.

قطر: قطر کشوری کوچک اما ثروتمند و با درآمد سرانه ۷۵ هزار دلار، سومین کشور دارنده بیشترین ذخایر گازی جهان محسوب می‌شود. عواملی از جمله وسعت و جمعیت اندک، فقدان تاریخ، مذهب و ملت متمایز و احاطه توسط همسایگان و بازیگران منطقه‌ای قدرتمند، باعث شده است تا قطر به عنوان دولتی ذره‌بینی با چالش‌ها و معضلات و تهدیداتی روبرو باشد. قطر برای بقای تمامیت و حاکمیت خود در سیاست، اقتصاد و جامعه به دنبال کسب نام و نشان

آسیای مرکزی- قفقاز، خلیج فارس و آسیای جنوب غربی است. موقعیت ژئواستراتژیکی ایران که از طرف جنوب به خلیج فارس و کشورهای عربی و مسلمان حاشیه خلیج فارس، از طرف شرق و شمال شرق با کشورهای پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان و از ناحیه غرب و شمال غرب با عراق، ترکیه و آذربایجان همسایه است، بر قدرت این کشور و توان بالقوه بازیگری با نفوذ در عرصه معادلات منطقه افزوده است. ایران از نظر جغرافیایی و فرهنگی قلب خاورمیانه است (عاشوری و همکاران، ۱۳۹۷). ایران دارای چهار مزیت موقعیتی است. اولاً این کشور متصل به موقعیت بری اوراسیاست. دوم اینکه با برخورداری از موقعیت بحری، دارای سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان می‌باشد. سوم اینکه به لحاظ در اختیار داشتن تنگه استراتژیک هرمز از موقعیت گذرگاهی برخوردار است و چهارم نیز از راه این کشور می‌توان خشکی‌های اطراف را مورد حمله قرار داد. بنابراین از موقعیت نظامی برخوردار بوده و علاوه بر این دارای بزرگترین ذخایر استراتژیک نفت و گاز نیز می‌باشد (نیک‌ضمیر و حجتی، ۱۳۸۲: ۲۳۹-۲۳۸).

جمهوری اسلامی ایران به تنهایی تمامی خطه شمالی منطقه خلیج فارس را به طول ۱۲۰۰ کیلومتر که با دریای عمان به ۱۸۰۰ کیلومتر بالغ می‌شود، در اختیار دارد. با توجه به این مسئله بدون ایران هیچ نظام امنیتی منطقه‌ای کارآمدی در خلیج فارس وجود نخواهد داشت. جزایر متعددی در خلیج فارس متعلق به ایران می‌باشد. عامل سیادت ایران بر خلیج فارس نیز همین جزایر است و به ایران موقعیت برتر از لحاظ نظامی و سیاسی در منطقه بخشیده است. چرا که نحوه قرارگرفتن آنها در خلیج فارس به شکلی است که در مصب تنگه هرمز قرار گرفته و با توجه به در اختیار داشتن تنگه هرمز از سوی ایران این جزایر اهمیت زیادی می‌یابند (همان: ۲۴۰).

پیشینه فرهنگی ایران نسبت به سایر کشورهای این منطقه و هویت مذهبی آن و همچنین قابلیت‌های اقتصادی و

الگوی مناسب تحلیل محیطی خلیج فارس

با توجه به مجموع مؤلفه‌های پیونددهنده جمهوری اسلامی ایران و خلیج فارس که در بالا بیان شد و رویکردها و مناسبات جمهوری اسلامی ایران و منطقه را شکل داده و بر نحوه تعامل طرفین اثر می‌گذارد، الگوهای کلان تحلیل محیطی PESTEI مشتمل بر شش گروه اساسی زیر برای پایش مؤلفه‌های اساسی اثرگذار در محیط حوزه خلیج فارس مناسب ارزیابی می‌گردد:

۱. عوامل سیاسی؛
۲. عوامل اقتصادی؛
۳. عوامل اجتماعی فرهنگی؛
۴. عوامل فناورانه؛
۵. عوامل بوم شناختی و زیست محیطی؛
۶. عوامل بین‌المللی و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای.

الگوی فوق در واقع چارچوبی است برای اندیشیدن و تحلیل تحولات شتابان در منطقه غرب آسیا و انتخاب و پایش حوزه‌های اصلی و مؤلفه‌های کلیدی در هر حوزه که لازم است در قالب تلاشی نظام‌مند و تعامل منسجم میان ارکان مختلف دستگاه سیاست خارجی از یک سو و مجامع علمی و اندیشکده‌های فعال در این حوزه از سوی دیگر پیاده گردد تا کشور بتواند با برخورد فعال، هوشمند و واکنش‌های به موقع نسبت به تغییرات محیطی منافع خود را تأمین نماید و از قرار گرفتن در انزوا و انفعال مصون بماند.

نتیجه‌گیری

از لحاظ جغرافیایی محیط راهبردی ایران شامل چند محیط جغرافیایی است. ایران علیرغم حضور در منطقه غرب آسیا، با چهار زیرسیستم منطقه‌ای شامل آسیای مرکزی- قفقاز، خلیج فارس، شرق مدیترانه و آسیای جنوب غربی همجوار است. از این میان ایران جزئی از سه زیرسیستم

فناوری منطقه از مهمترین مؤلفه‌های شکل دهنده تحولات در منطقه محسوب می‌شوند. در عین حال با توجه به نقش کلیدی و تأثیرات زیاد عوامل خارجی یعنی قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر تحولات منطقه و سمت و سوی روندهای آن، لازم است در کنار پنج عامل ذکر شده، به عوامل بین‌المللی و رقابت بازیگران خارجی در منطقه نیز توجه ویژه مبذول گردد. این نتیجه‌گیری از آنجا حاصل می‌شود که حضور و نفوذ قدرت‌های بزرگ اعم از رقیب یا متخاصم با ایران در منطقه به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد.

رقابت ایدئولوژیک عربستان با ایران از طریق ترویج جریان‌های سلفی و تبلیغ شکاف شیعی سنی در منطقه، افزایش حضور رژیم صهیونیستی با رویکردهای امنیتی در کشورهای منطقه، تقویت همکاری اروپا با کشورهای منطقه در قالب طرح‌های مختلف مدنی و نظامی، مواضع و اقدامات شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران، طرح‌های بزرگ و کوچک دیگر که همگی با منشاء خارجی شکل گرفته است، بر منافع و امنیت ملی ایران تأثیر دارند که نمی‌توان نسبت به آنها غافل بود. براین اساس با توجه به مؤلفه‌های یادشده مناسب‌ترین الگوی تحلیل محیطی برای ارزیابی و تحلیل تغییرات محیطی در منطقه خلیج فارس شامل مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، فن‌آوری، بوم‌شناختی و زیست‌محیطی و بین‌المللی (PESTEI) معرفی گردید. همچنین برخی از مهمترین متغیرهای مطرح در هر حوزه نیز معرفی شد.

منابع

- ابراهیمی‌فر، طاهره. (۱۳۹۳). «تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر گفتمانی فرهنگی‌ها در خلیج فارس در عصر جهانی شدن». فصلنامه علمی روابط بین‌الملل. دوره ۷، شماره ۲۸. صص ۳۶-۹.
- اسدی، بیژن. (۱۳۹۲). خلیج فارس و مسائل آن. چ ۵. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- اشقلی، عباس. (۱۳۸۵). «روابط نظامی امنیتی آمریکا و شورای همکاری خلیج فارس». فصلنامه مطالعات خاورمیانه. سال ۱۳، شماره

عملی ایران موجب تأثیرگذاری بالقوه هر چه بیشتر در منطقه و حتی تحولات جهانی شده است. ایران به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب عالم از دیرباز مورد توجه کشورها و تمدن‌های دنیا بوده است. این نقش ارتباطی میان قاره‌ای و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی است، بر اهمیت و نقش مؤثر ایران در نظر ناظران خارجی افزوده، به‌طوری که هرگونه تحول سیاسی در آن موجب برانگیخته شدن حساسیت‌های جهانی می‌شود.

منطقه خلیج فارس به لحاظ پیوندهای متعدد زبانی، فرهنگی، تاریخی و پیوستگی‌های جغرافیایی و مزیت‌های اقتصادی، یکی از اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. شرایط جغرافیایی و اقتصادی به علاوه مسائل فرهنگی و اجتماعی و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای باعث شده که جمهوری اسلامی ایران در تعامل با این حوزه با شرایط متحول و متغیری روبرو شود که پیوسته منافع و امنیت ملی کشورمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مجموع عوامل یاد شده پیش‌شرط‌های لازم هرگونه تلاش برای تدوین راهبرد سیاست خارجی ایران در قبال این حوزه به حساب می‌آید.

مجموع عوامل شناخت و طراحی الگوی علمی برای تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های محیطی در خلیج فارس، پیش‌شرط هرگونه تلاش برای تدوین راهبرد و سیاست‌گذاری کشورمان در قبال این حوزه است. بررسی و ارزیابی الگوهای تحلیل محیطی و قابلیت‌های هر یک در ارائه تبیین و توصیف مناسب از محیط نشان می‌دهد هر الگو ناظر به موقعیت خاص هر محیط است. لذا طراحی هر الگو و انتخاب مؤلفه‌های اساسی آن منوط به شناخت ویژگی‌های عام و خاص هر محیط از جمله منطقه خلیج فارس است. بررسی و مطالعه مشخصات خلیج فارس نشان می‌دهد مجموعه عوامل فرهنگی اجتماعی و ارزشی که تحت عنوان عوامل فرهنگی اجتماعی یاد می‌شود به‌علاوه عوامل اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و ویژگی‌های علمی و

۲. صص ۸۷-۱۱۸.
- عاشوری، غلامرضا و همکاران. (۱۳۹۷). «بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی با تأکید بر نقش راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی. شماره ۲. صص ۲۱۴-۱۹۱.
- قاسمی فرهاد؛ ماله‌میر، احمد. (۱۳۹۱). «تأثیر محیط راهبردی خلیج فارس بر طراحی نظام بازدارندگی منطقه‌ای ج.ا.ایران». فصلنامه راهبرد دفاعی. شماره ۴۰. صص ۱۳۴-۱۰۰.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۰). امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس. ترجمه امیر مسعود اجتهادی. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- مرادی، عبدالله. (۱۳۹۶). ارزیابی راهبردی از تلاش کشورهای عربی حوزه خلیج فارس جهت دستیابی به توانمندی‌های هسته‌ای. اندیشکده راهبردی تبیین. ۲۶ شهریور ۱۳۹۶. (بازیابی شده در ۷ مرداد ۱۳۹۹ از <http://tabyincenter.ir/21010>).
- مؤسسه آینده پژوهی جهان اسلام. (۱۳۹۵). امارات متحده عربی؛ قدرطلب در منطقه. ۱۲ آبان ۱۳۹۵. (بازیابی شده در مهر ۱۳۹۹ از <https://iiwfs.com>).
- نظری، سونیا. (۱۳۹۵). رابطه آمریکا و شورای همکاری خلیج فارس چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟. (بازیابی شده در ۱۲ مهر ۱۳۹۹ از: khabaronline.ir/detail/557919/World/di-plomacy).
- نیک‌ضمیر، عباس؛ حجتی، احسان‌الله. (۱۳۸۲). امنیت و خلیج فارس تهدیدها و راهبردها. تهران: انتشارات پرسمان.
- وندنوروز، جواد. (۱۳۹۴). «اولویت‌های سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال ایران». فصلنامه مطالعات افکار عمومی. شماره ۱۳. صص ۱۸۹-۱۷۷.
- Wormuth, Christine. (2019). *Russia and China in the Middle East: Implications for the United States in an Era of Strategic Competition*. Santa Monica, CA: RAND Corporation. (Retrieved 2020, Jan. From <https://www.rand.org/pubs/testimonies/CT511.html>).
- احمدوند، علی محمد؛ میرمظاهری، مهدی. (۱۳۸۷). «مروری بر الگوهای تحلیل محیطی کلان و پیشنهاد الگویی برای صنایع دفاع». در مجموعه مقالات ششمین همایش تخصصی مهندسی صنایع. تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- باقیان زارچی، مرتضی؛ نیاکویی، امیر؛ حسینی، سیدحمید. (۱۳۹۱). «سیاست‌های انرژی اتحادیه اروپا و کاهش وابستگی به روسیه». رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. شماره ۳۰. صص ۲۲۶-۱۹۳.
- بوزان، باری؛ ویور، اولی. (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل. ترجمه رحمان قهرمان‌پور. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ترابی قاسم. (۱۳۹۱). «برنامه هسته‌ای کشورهای عربی الگوها و روندها». پژوهشنامه دفاع مقدس. سال اول، شماره اول. صص ۱۶۷-۱۶۸.
- جالینوسی، احمد؛ طباطبایی، یگانه سادات؛ البرزی، هنگامه. (۱۳۹۴). «نقش آفرینی قطر در خلیج فارس با توجه به مناقشات اخیر خاورمیانه». فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی. شماره ۸. صص ۸۳-۱۰۵.
- جمشیدی، محمد؛ الهی‌دهقی، ایرج. (۱۳۹۳). «ارائه الگوی تحلیل محیط راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی منطقه آسیای مرکزی». فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۸۶. صص ۶۱-۳۱.
- جوادی ارجمند، محمدجواد؛ بیدالله‌خانی، آرش. (۱۳۹۲). «تهدیدات استراتژیک و منابع داخلی و خارجی تنش‌زا در محیط امنیتی خلیج فارس». در مجموعه مقالات هشتمین همایش ملی خلیج فارس. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- خدادادی، محمداسماعیل. (۱۳۸۳). مسائل منطقه‌ای ایران با تأکید بر خلیج فارس. چ ۲. تهران: انتشارات یاقوت.
- طاهری، ابراهیم؛ صادقی بکیانی، امین. (۱۳۹۵). «تأثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای (مطالعه موردی مجموعه امنیتی خلیج فارس)». مجله سیاست دفاعی. شماره ۹۴.
- طهمورثی، رحمت. (۱۳۹۹). روسیه و دغدغه‌های امنیتی در خلیج فارس، خبرگزاری جمهوری اسلامی. (بازیابی شده در ۱۵ مهر ۱۳۹۹ از <https://www.irna.ir/news/83770549>).